

اقتصاد هوشمند و گذر از آدرس‌دهی غلط

این مسئله در برهه اخیر هم هنوز حل نشده است و همه به‌سرعت دنبال نوشتن سند بدون بررسی و تحلیل مفهوم، ابعاد، روندهای جهانی، امنیت و مسائل حقوقی و مقرراتی و ذی‌نفعان فناوری دیجیتال هستند. نمونه اخیر آن فعال‌بودن دو گروه موزی در این زمینه در دستگاه‌های اجرایی و ستادی کشور است.
دراین‌باره موضوع تدوین «سند تحول دیجیتال» در وزارتخانه فاوا و فعال‌شدن گروه اقتصاد هوشمند در وزارتخانه امور اقتصاد و دارایی به‌صورت منفک و جداست و هنوز وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، معاونت علمی ریاست‌جمهوری و سازمان برنامه و بودجه وارد این مقوله نشده‌اند یا من اطلاع ندارم! هر دستگاهی حکایت شیرین «فیل مولوی» را در این زمینه به رخ جامعه ایران می‌کشد. دستگاه‌های زیرمجموعه وزارتخانه امور اقتصاد و دارایی «تب اقتصاد هوشمند» گرفتند و با تفسیر و تنزل واژه اقتصاد یا Economy به امور اجرایی وزارتخانه، دنبال اقتصاد هوشمند به تعبیر وزارتخانه خود هستند که با سطح نظری و معتبر بین‌المللی آن فاصله زیادی دارد و وزارتخانه فناوری اطلاعات و ارتباطات با تفسیر کلگانه‌ای خود از فناوری دیجیتال، دنبال تدوین «سند تحول دیجیتال» با نگاه خود است.پایان این ماجرا دوباره و چندباره تکرار قصه پرغمه سودرگمی در حوزه فناوری دیجیتالی و آدرس‌دهی غلط است. در این زمینه از یک طرف، تعبیر و مفهوم‌سازی جامع، دقیق، کامل، فراگیر و قابل استدلالی از اقتصاد هوشمند مطابق اسناد معتبر بین‌المللی و ساختارهای اقتصاد ایران و همچنین سازگار با تحول دیجیتال ارائه نمی‌شود و از طرف دیگر بعضی هم دراین‌باره در محافل نمود دانشگاهی طرح نمی‌شود و صیقل لازم در بعد نظری نمی‌خورد؛ بنابراین هیچ سازگاری حداقلی‌ای از این موضوع در جامعه نخیکی و دستگاه‌های متولی به وجود نیامده و با این فرمان نمی‌آید! شیوع ویروس کووید ۱۹ شرایطی را برای ایران و دنیا به وجود آورده که لزوم حداقلی شکل‌گیری اجتماعات و استفاده از فناوری‌های دیجیتالی را در همه ارکان اقتصاد رقم زده و باعث عوض‌کردن مختصات اقتصاد شده است. پیش‌بینی این نوع همه‌گیری‌ها در آینده نیز توجه به این حوزه را دوچندان کرده است؛ ازاین‌رو فرصت مغتنمی برای مفهوم‌سازی واحد، پیاده‌سازی در همه ارکان دولتی و خصوصی و آدرس‌دهی صحیح به وجود آمده است. پس باید این فرصت را از غنیمت دانست و از آدرس‌دهی غلط این مقوله پرہیز کرد و اقتصاد هوشمند را به مفهوم واقعی و معتبر علمی آن در اقتصاد ایران طراحی و پیاده‌سازی کرد.

✽ **استاد اقتصاد دانشگاه علامه**

طراحی سیاست در دوران کرونا

فرقی نیست بین توصیه به تزریق مواد ضدعفونی‌کننده و اجبار به عادی‌شدن امور؛ بی‌توجهی به طراحی سیاست‌های اعلامی و اتخاذی، وجه مشترک این دو اعلام سیاست است. طراحی نامناسب در اجرای سیاست‌ها نیز مکافات دیگر مدیریت در شرایط بحران است. در مواقعی که سرعت انتشار اخبار از کنترل سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران خارج است، هرگونه توضیح و خبری درباره اجرای سیاست‌ها در مرکز توجه عمومی قرار می‌گیرد. کافی است در اجرای یک سیاست، هماهنگی میان نهادهای مجری کم‌رنگ نشود، حرف‌ها دوتا نشود و به‌جای یک‌صدایی، چند صدا شنیده شود؛ آن‌گاه دیگر نمی‌توان ادعا کرد سیاست خوب طراحی شده، درست هم اجرا می‌شود. اجرای سلخه‌ت قرنطینه و محدودیت‌های عبورورور در بسیاری از شهرها، مهم‌ترین دلیلی است که همراهی عمومی را در پی نداشت. در مواقعی که به مشارکت شهروندان در اجرای یک سیاست نیاز است، طراحی سیاست بیش از همیشه ضرورت خواهد داشت. شهروندان با یک سیاست خوب طراحی‌شده، همراهی می‌کنند، خود را جزئی از فرایند اجرای آن می‌دانند، سختی‌های اجرائی آن را به جان می‌خرند و سیاست‌مداران و مجریان را از خود می‌دانند. آنها می‌بینند که رنجشان هنگام مواجهه با بحران، اسب شمرده نشده و آنچه اعلام و اجرا می‌شود، اسباب خیر عمومی است، شییه‌سازی‌های بی‌تناسب و متاخره‌های باید و نباید، اگر در جای درست استفاده نشوند، میان مردم و آنچه در مجموع حکمرانان می‌خوانیم، فاصله می‌آفرینند.

آنچه باید در شرایط بحرانی برای طراحی سیاست‌ها مرکز توجه قرار بگیرد، همدلی آگاهانه در همه مراحل سیاست‌گذاری از اتخاذ سیاست تا اجرا و ارزیابی آن است. نباید‌کردن اغتشاش‌های سیاست‌گذاری بین نهادهای مختلف، لاقل در شرایط بحران، اوضاع را وخیم‌تر کرده و داده‌های آماری را باورناپذیر می‌کند.

در این مواقع، شهروندانی که پیش‌تر در فضای سیاست‌گذاری عمومی شهر و کشورشان، این بی‌اعتمادی را تجربه کرده‌اند، از آن ناآپوری و تردید به سیاست‌های عمومی طنز می‌سازند یا از جایی که باید بیشترن همراهی و همدلی را داشته باشند، کناره می‌گیرند.

طراحی خوب سیاست‌ها، معجزه نمی‌کند؛ اما لاقل شکاف اعتمادی را بیشتر نمی‌کند و نمک بر زخم نمی‌پاشد.

اقتصاد هوشمند و گذر از آدرس‌دهی غلط

شرق: ویروس کرونا نه‌تنها سلامتی میلیون‌ها نفر در جهان را به خطر انداخت، بلکه با شیوع آن اقتصاد جهانی را روی لبه پرتگاه قرار داد، چنان‌که تحلیل‌گران اقتصاد جهانی می‌گویند تا پایان سال ۲۰۲۰ جهان رکود اقتصادی بی‌سابقه‌ای را تجربه خواهد کرد. در این میان، ایران نیز مانند بسیاری از کشورها درگیر این همه‌گیری جهانی شده و ترکش‌های اقتصادی ناشی از آن پیکر تحریف معیشت و مشاغل را نشانه گرفته است. اقتصاد ایران در حالی با مشکل شیوع ویروس کرونا مواجه شد که دو سال سخت را پشت‌سر خود دارد و دستیابی به سطح رفاه به قبل از دهه ۹۰ سقوط کرده است. مرکز پژوهش‌های مجلس با استفاده از مدل‌های اقتصادی، آثار کرونا بر اقتصاد کلان ایران را بررسی کرده که گویای آمار تکان‌دهنده‌ای است. سناریوهای مختلف این مرکز پیش‌بینی می‌کند بین ۷.۵ تا ۱۱درصد از ستانده اقتصاد در نتیجه شیوع کرونا کاهش خواهد یافت و بین ۲۸۷۰ تا ۴۴۳۱ هزار نفر از شاغلان فعلی، متاثر از شیوع ویروس شغل خود را از دست خواهند داد. این مرکز تحقیقاتی همچنین میزان عدم تحقق منابع بودجه امسال را تا ۱۸۵هزارمیلیاردتومان برآورد کرده و این میزان تازه درصورتی است که دولت بتواند روزی ۴۰۰هزار بشکه نفت را به قیمت ۴۰دالر به فروش برساند که با توجه به شرایط فعلی بازار نفت بسیار خوش‌بینانه به نظر می‌رسد. زنان و مشاغل غیررسمی آسیب‌پذیرترین گروه در برابر کرونا بوده که از سویی در گروه‌های هدف حمایتی دولت قرار ندارند و از طرفی تبعات ترمی حمایت‌های دولت از بنگاه‌ها و کارفرمایان و توزیع نقدینگی به این گروه‌ها اصابت می‌کند. کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس معتقدند اگر روند سیاست حمایتی دولت به همین شکل ادامه یابد باید منتظر گستردگی دامنه فقر و بدترشدن توزیع درآمد بود. همچنین در این گزارش اشاره شده که سیاست‌های حمایتی در راستای کنترل شیوع بیماری به‌کلی در بسته‌های سیاسی دولت مغفول مانده است؛ برای مثال پرداخت یارانه کالای به خانوارها در قالب بسته بهداشتی یا پرداخت تسهیلات به کسب‌کار مشروط به عدم شروع فعالیت، بازوی پژوهشی مجلس در تحلیل نهایی خود نوشته است: «تجربه اخیر کشور در مواجهه با شیوع ویروس کرونا نشان از ناکارایی نظام حمایتی کشور در مواجهه با بحران‌ها دارد. به نظر می‌رسد تجربه فعلی یک تلنگر جدی برای لزوم داشتن نظام مالیاتی شفاف با تاکید بر مالیات بر مجموع درآمد افراد و درعین حال نظام حمایتی کاملاً مرتبط با آن است».

مشاغل غیررسمی بی‌صدایان فاجعه کرونا

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ادامه جلسه گزارش‌های خود درباره راهکارهای مواجهه با

اقتصاد

مرکز پژوهش‌های مجلس از تبعات ویروس کرونا بر اقتصاد کلان ایران گزارش می‌دهد

باید منتظر رکوردهای بی‌سابقه باشیم؟

۱۸۰هزارمیلیاردتومان از منابع بودجه‌ای امسال محقق نخواهد شد



علی

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

یونس

اقتصاد

مرکز پژوهش‌های مجلس از تبعات ویروس کرونا بر اقتصاد کلان ایران گزارش می‌دهد

تعدادی صورت گرفته که در آنها تلاش شده است تا تحت سناریوهای متفاوت، ماندگاری شیوع در کشور و همچنین میزان مبتلایان و مرگ‌ومیر را مشخص کند.

۳ سناریوی رشد اقتصادی ۹۹
نتایج برآورد‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان داد در سناریوی اول ستانده کل اقتصاد نزدیک به ۱۱ درصد در امسال کاهش خواهد یافت. همچنین نزدیک به ۴۴۳۱ هزار نفر از شاغلان فعلی از این سناریو متأثر خواهند شد و برای دوره‌ای بی‌کار خواهند بود. بدیهی است با اتمام قرنطینه اثر بر اشتغال در نیمه دوم سال به‌شدت کاهش خواهد یافت.همچنین در سناریوی دوم ستانده کل اقتصاد نزدیک به ۸.۶ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش خواهد یافت و نزدیک به ۲۹۵۰ هزار نفر از شاغلان فعلی، برای دوره‌ای به جمعیت بی‌کار افزوده خواهند شد. در سناریوی سوم نیز ستانده کل اقتصاد نزدیک به ۷.۴ درصد در سال ۹۹ کاهش خواهد یافت و نزدیک به ۲۸۷۶ هزار نفر از شاغلان فعلی، برای دوره‌ای به جمعیت بی‌کار افزوده خواهند شد.

بررسی آثار اقتصادی شیوع کرونا بر وضعیت معیشتی خانوار نشان می‌دهد، بخش زیادی از نیروی کار کشور (حدود ۷۰ درصد)، زیر چتر سیاست‌های پرداخت بیمه بی‌کاری یا حمایت از بنگاه به شرط حفظ نیروی کار قرار نمی‌گیرند. نکته مهم آن است که بخش قابل توجهی از این ۷۰ درصد، در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند؛ برای مثال درحالی‌که حدود ۷۰ درصد از خانوارهای دهک اول، حداقل یک نفر شاغل دارند، تنها ۱۲ درصد از آنها تحت پوشش بیمه (غیردرمانی) قرار دارند؛ بنابراین حمایت‌هایی از جنس بیمه بی‌کاری یا حمایت از شاغلان رسمی (دارای سابقه بیمه‌ای)، بیشترین اصابت را به دهک‌های میانی و بالای درآمدی خواهد داشت و بهره‌مندی دهک‌های پایین (محروم‌تر) از این سیاست‌ها اندک خواهد بود. بنابراین در شرایط فعلی، سیاستی که می‌تواند بیشترین اصابت را به گروه‌های درآمدی پایین داشته باشد، حمایت مستقیم از خانوار است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در پایان گزارش بسته‌های سیاستی دولتی را این‌طور ارزیابی کرده است: تجربه اخیر کشور در مواجهه با شیوع ویروس کرونا نشان از ناکارایی نظام حمایتی کشور در مواجهه با بحران‌ها دارد. به نظر می‌رسد تجربه فعلی یک تلنگر جدی برای لزوم داشتن نظام مالیاتی شفاف با تاکید بر مالیات بر مجموع درآمد افراد و درعین‌حال نظام حمایتی کاملاً مرتبط با آن است.

۱۵ هزار میلیارد تومان یارانه انرژی به صنعت فولاد پرداخت می‌شود

حق مالکیت انرژی در انحصار صنایع

در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: اگر یارانه انرژی را از تمام صنایع حذف کنیم، هیچ سودی حاصل نکرده‌ایم. مطمئناً سود صادرات کمتر از یارانه‌ای است که برای انرژی می‌دهیم.

او اضافه می‌کند: بسیاری از صنایع ما سود نمی‌دهند و از اختلاف یارانه انرژی بهره می‌برند. سودی که از صادرات کالاهای صنعتی مثل سیمان، فولاد و... حاصل می‌شود، به میزان اختلاف یارانه انرژی است که به آن صنایع داده شده؛ حتی در کشاورزی هم همین‌طور است.

به اعتقاد نوراللهی، اگر هدف از تخصیص انرژی یارانه‌ای ایجاد اشتغال باشد، به شیوه‌های دیگر هم می‌توان مشغل ایجاد کرد. می‌توان صاحبان صنایع را مکلف کرد که با بخشی از یارانه انرژی یک بار صنایع خود را نوسازی کنند تا بعد از آن بتوانند بدون کمک دولت و یارانه انرژی، پایداری خودشان را حفظ کنند.

او اضافه می‌کند: بر اساس برآوردهای دو سال پیش، برای تولید یک تُن سیمان در کشور، نزدیک ۱۴۵ کیلووات ساعت انرژی مصرف می‌کنیم. میانگین جهانی مصرف انرژی برای تولید سیمان ۷۵ کیلووات ساعت و در اروپا ۶۳ کیلووات است. این اختلاف قیمت را حساب کنید و ببینید چقدر فقط بابت انرژی به سیمان یارانه برق می‌دهیم. همین میزان یارانه انرژی هم در بخش گاز به این صنعت پرداخت می‌شود. بنابراین در بخش سیمان صرفاً انرژی صادر کرده‌ایم. در نیروگاه‌ها هم همین کار را می‌کنیم و خیلی لذت می‌بریم که برق صادر کرده‌ایم؛ درحالی‌که ما گاز را به شکلی ارزان‌تر فروخته‌ایم.

ارزش افزوده‌ای که نصیب کشورهای دیگر می‌شود

استاد علوم و فنون نوین دانشگاه تهران درباره دلیل دریافت انرژی یارانه‌ای و قیمت‌گذاری محصولات با نرخ‌های جهانی عنوان می‌کند: صنایع ما به انرژی مفت عادت کرده‌اند. دولت به‌راحتی می‌تواند اختلاف قیمت انرژی مصرف‌شده در تولید یک واحد کالا یا قیمت‌های جهانی را حساب کرده و به صاحبان صنایع بگوید به این میزان باید هر واحد کالای خود را ارزان‌تر بفروشد؛ اما اصلاً به این مسائل توجهی نمی‌شود. او ادامه می‌دهد: به‌عنوان متخصص انرژی اعتقاد دارم سعادت و شقاوت اقتصادی ملت‌ها، به چگونگی مصرف انرژی وابسته است نه منابع انرژی موجود در آن کشور... ما انرژی مسئله را کم کرده‌ایم. زاین یک لیتر نفت ندارد و این حامل انرژی را وارد می‌کند؛ آن را درست در فرایند تولید وارد کرده و محصول نهایی را می‌فروشد. کشورهای دارنده منابع انرژی به‌جز آمریکا، هیچ‌کدام توسعه‌یافته نیستند؛ چون بلد نیستند از منابع انرژی درست استفاده کنند. نوراللهی می‌گوید: عمدتاً ما با استفاده از یک منبع انرژی فرایند تبدیل را انجام می‌دهیم؛ اما اتفاق جالب این است که دو مرحله اول تبدیل منابع و تولید محصول، بیشترین انرژی‌بر را دارد. بنابراین با انرژی ارزان کشور این دو مرحله را انجام می‌دهیم و آن را به خارج صادر می‌کنیم. این در حالی است که مرحله نهایی که انرژی‌بری کمتری دارد و ارزش افزوده بیشتری تولید می‌کند، در دیگر کشورها انجام می‌شود. این فرایند عکس توسعه اقتصادی بوده و این مسئله به زیان اقتصاد ملی و آحاد جامعه است.

او یادآور می‌شود: یک‌سری افراد، اعم از دولتی و بخش خصوصی که دارنده صنایع هستند و عمدتاً بخش ثروتمند جامعه به شمار می‌روند، یارانه

انرژی و انرژی مملکت را می‌بلعند که حق آحاد جامعه است.

آینده بانکداری و تأمین مالی^(۱)



● داد سخن از اقتصاد بعد از کرونا فراوان و گوش‌ها از پیش‌بینی‌های گوناگون آکنده است؛ اما برخی از این پیش‌بینی‌ها بر بنیاد تغییرات زیست‌محیطی و زندگی در دوران تعامل دوستدارانه با اشیا و طبیعت و استفاده بهینه از مواد قرار خواهند گرفت و اینجاست که با رخدادهایی در آینده روبه‌رو خواهیم شد که به ناچار باید در باور ما بنشینند. از جمله کسب‌وکارهایی که در اقتصاد بعد از کرونا دچار دگردیسی می‌شوند، تأمین‌کنندگان مالی، شرکت‌های مالی، لیزینگ‌ها، بانک‌ها و به عبارتی دیگر واسطه‌گران وجوه و عرضه‌کنندگان مدل‌های تأمین مالی خواهند بود.

استراتژی بانک‌ها و تأمین‌کنندگان مالی بر اساس استراتژی شرکت‌های نوآور و طرفدار محیط زیست طراحی خواهند شد. شاید این باور اندکی سخت باشد، ولی گسترده‌ای بسیار پنهانور از گرایش به «کاهش چشمگیر ضایعات» در سراسر تولید و مصرف چیره خواهد شد. چاشنی دیگری نیز به این اندیشه اضافه خواهد شد و آن انگیزه‌های قوی برای جبران کاهش تولید در دوران کروناست.

مشتريان آینده اخلاق‌مدار خواهند بود و سبک زندگی و گرانش‌های خود را بر این اخلاق‌مداری پایه‌ریزی می‌کنند. تولیدکنندگان و ارائه‌کنندگان خدمات نیز دنباله‌رو این اخلاق‌مداری‌اند و بانک‌ها و شرکت‌های مالی نیز به همین سوگیری خواهند پیوست. پس بزرگ‌ترین چالش جدید برای اقتصاد جهانی بعد از کرونا روبه‌روشدن با مصرف‌کنندگان اخلاق‌مدار است. ساختار اخلاق‌مداری مصرف‌کنندگان بر پایه پایداری زیست‌محیطی و تندرستی انسان‌هاست تا نیازهای شخصی و مادی.

شاید از چگونگی تغییر شکل نظام‌های تأمین مالی و بانکی در این رویکرد نوین شکفت‌زده شوید؛ ولی شتاب نگیرد تا به جنبه‌هایی از این پوست‌اندازی بپردازیم.

پوست‌اندازی اقتصادی جدید

یک اکوسیستم اقتصادی جدید برای پاسخ به رویکرد اخلاق‌مدارانه مشتریان شکل خواهد گرفت. محورهای استراتژی این رویارویی عبارت‌اند از: تولید محصولات پایدار، به حداقل‌رساندن ضایعات و بازیافت گسترده و نوآورانه و افزایش استفاده دوباره در حلقه بین تولید و مصرف. به تکتک واژه‌های این استراتژی دفت کنید.

جنبه دوم: شکل‌گیری اقتصاد چرخشی

چرخه اقتصادی باید از استخراج، تولید، مصرف و ضایعات به استخراج و استحصال مواد از بازیافت، تولید، مصرف و مصرف دوباره تغییر شکل دهد. شرکت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی با این تغییر شکل منطق می‌شوند و به دنبال آن نظام تأمین مالی چاره‌ای جز این دنیا‌ل‌روی نخواهد داشت.

جنبه سوم: کسب‌وکارهای پیروز

بی‌گمان در صحنه‌های نبرد اقتصادی آینده شرکت‌ها و کسب‌وکارهایی پیروز میدان خواهند بود. به نمونه‌هایی از آنها توجه کنید. شرکت‌هایی که در ۱۰ سال اخیر به اقتصاد چرخشی روی آورده‌اند، اولین سرمایه‌مدن عرصه رقابت فردا خواهند بود. فناوری‌هایی که لایه‌هایی را روی گیاه ایجاد می‌کنند تا عمر آن را قبل از مصرف بیشتر کنند. دسته از شرکت‌هایی دیجیتال که تجارت الکترونیک را برای قراردادن مشتریان در اقتصاد چرخشی مورد استفاده قرار خواهند داد، نه روش‌های سنتی فعلی. فناوری‌هایی که صنعت لوپ را توسعه می‌دهند و همه بسته‌بندی‌ها را جمع‌آوری و ضدعفونی کرده و دوباره در چرخه مصرف قرار می‌دهند. در گذشته شیوه‌های نوشابه‌ای فروشگاه‌ها جمع‌آوری می‌شد و پس از شست‌وشو و ضدعفونی‌شدن در خط تولید قرار گرفته و پر می‌شدند. تدارکات معکوس نیز خواهد آمد و خرده‌فروشان موجودی را کم و فروش‌رفته را از انبارها به تولیدکنندگان ارسال می‌کنند تا دوباره به چرخه مصرف هدایت شوند و نمونه‌هایی دیگر که رفته‌رفته خلق خواهند شد.

جنبه چهارم: خلق مدل‌های تأمین مالی جدید

برای پشتیبانی کسب‌وکارهای چرخشی و لوپ
کسب‌وکارهایی که بر بنیاد تجدیدپذیری قرار گرفته‌اند نیاز به مدل‌ها و فرایندهایی جدید در تأمین مالی دارند. بانک‌ها و شرکت‌های مالی با رویکردها و فرایندهای فعلی در اقتصاد چرخشی و لوپ تقریباً هیچ‌کاره‌اند؛ مگر با دگردیسی و تحولی نوین. نکته کلیدی در تدوین استراتژی‌های آینده بانک‌ها و شرکت‌های مالی در یک تعارض نهفته است و آن چیزی نیست جز شکاف میان تمایزات مصرف منابع و کالاها با رشد اقتصادی بنگاه‌ها و کسب‌وکارها. یعنی بانک‌ها شاید نتوانند بین رویکرد اخلاق‌مدارانه مشتریان و پاسخ اخلاق‌مدارانه بنگاه‌ها از یک طرف و رشد اقتصادی و گردش جریانات نقدی از طرف دیگر در مدل‌های اعتبارسنجی خود ارتباط برقرار کنند. **ادامه دارد...**